

نقش تعلیم و تربیت در تقویت الگوی زن مسلمان ایرانی و ارتقا کیفیت زندگی

راضیه حق گو

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه درسی دانشگاه شاهد

Email: kusarvelayatmadar@gmail.com

دکتر سولماز نورآبادی^۱

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

Email: nourabadi@shahed.ac.ir

چکیده

خانواده از مهمترین ارکان هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. مهمترین نقش را درون خانواده زن و مرد ایفا می‌کنند. زمانی نقش آنان از تاثیر لازم و کافی خود برخوردار است که نقش‌های خود را بشناسند و متناسب با آن عمل کنند. از آنجایی که جامعه ما یک جامعه اسلامی است، تامین معاش خانواده بر عهده مرد و مدیریت داخل خانه بر عهده زن است. لازم به ذکر است فعالیت بانوان در خارج از خانه باید به گونه‌ای باشد تا با وجود زن سازگاری داشته باشد. از آنجایی که بانوان در داخل خانه نقش همسری و مادری را برعهده دارند و تربیت‌کنندگان اصلی، فرزندان مادران هستند؛ در نتیجه نقش مادران در تربیت فرزندان بسیار زیاد و غیرقابل انکار است. اسلام و جامعه اسلامی نقش زن را در خانواده بسیار مهم و تاثیرگذار می‌داند، به گونه‌ای که زنان می‌توانند از مردان و فرزندان خود موجوداتی شجاع، غیور و توانمند بسازند. بنابراین در صورتی که زنان جامعه بصورت درست تربیت شوند و از اهمیت نقش خود آگاه باشند، می‌توانند در درجه اول زندگی خانوادگی و در درجه دوم جامعه را در تمام ابعاد بهبود ببخشند. در پژوهش حاضر سؤال اصلی این است که کتاب‌های درسی دین و زندگی متوسطه دوره اول تا چه اندازه می‌توانند بانوانی مؤمن و پایبند به احکام دینی و اسلامی تربیت کنند؟ مبرهن است زن و مسائل مربوط به زنان از مسائل مهم جوامع بشری است. به همین دلیل نوع تعلیم و تربیت جامعه که نقش بسیار مهمی را در تعیین نوع نگرش افراد جامعه ایفا می‌کند، باید به گونه‌ای باشد که اهمیت زنان و نقش آنان در جامعه را منعکس نماید. در این صورت کتاب‌های درسی آن جامعه که منعکس‌کننده نوع دید جامعه به افراد هستند، باید به گونه‌ای تالیف شود که اهمیت نقش زن در جامعه و خانواده را نشان دهد. از اینرو در راستای رسیدن به پاسخ سؤال با استفاده از روش تحلیل کمی شمارشی، کتاب‌های دین و زندگی متوسطه دوره اول تحلیل شد. نتایج بدست آمده نشان داد که این کتب آنگونه که باید، به اهمیت نقش زنان و مسائل مربوط به آنان در محتوای کتاب‌ها، پرداخته نشده است.

واژگان کلیدی: زن، خانواده، تعلیم و تربیت، جامعه، کتاب دین و زندگی.

^۱. نویسنده مسئول

مقدمه

بی شک خانواده، به عنوان نهادی مقدس و بی بدیل؛ نخستین، مهمترین و اصلی ترین پرورشگاه و آموزشگاه فرد محسوب می شود که یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی عمده جامعه است. بنابراین بیان هرگونه سخن و اندیشه‌ای درباره تربیت کودکان و نوجوانان و داشتن هرگونه انتظاری از آنان بی توجه به نقش حیاتی خانواده، سخن و اندیشه‌ای نادرست قلمداد می شود و انتظاری عبث و بیهوده است (به پژوه، ۱۳۹۷). زمانی زن و مرد یا همان پدر و مادر می توانند از مسئولیت خطیر تربیت به خوبی برآیند که در مرتبه اول خودشان با وظایف خود آشنا باشند، یعنی زن و مرد بدانند مسئولیت آنان در زندگی مشترک چیست و خود را برای انجام دادن هر چه صحیح تر آن وظایف آماده کنند (کارنگی، ۱۳۷۳). در جوامعی که خانواده‌ها با این بینش شکل بگیرند که نقش بسیار مهمی را در آینده جامعه ایفا خواهند کرد؛ مسلماً جامعه‌ای رو به سعادت خواهند داشت. همانگونه که اشاره شد خانواده اولین و مهمترین نهاد تربیت فرزندان را شکل می دهد، اما مدرسه هم در مرتبه دوم، نقش مؤثر و انکارناپذیری را بر عهده دارد، زیرا فرزندان بعد از پایان دوران طفولیت و پانهادن به سنین آغازین دوران دانش پذیری (هفت و هشت سالگی)، نیمی از زمان خود را در مدرسه سپری می کنند و از کانون خانوادگی در این ساعات به دور هستند. لذا حلقه مفقوده در بحث تربیت فرزندان در این دوران بر عهده مدارس و محیط آموزشی تدارک دیده شده برای کودکان از سوی نهاد حاکمیت می باشد که شامل خانواده‌ای متشکل از معلمان و مربیان، کادر آموزشی، معاونان، مشاوران و برنامه ریزان کتب درسی می شود. بنابراین هدف اصلی در این پژوهش این است که محتوای کتاب‌های دین و زندگی متوسطه دوره اول تا چه اندازه می توانند بانوانی مؤمن و با اخلاق دینی تربیت کنند، به گونه‌ای که نمونه‌ای از الگوی زن مسلمان ایرانی باشند و در وهله اول باعث رشد و پیشرفت خانواده که در وهله دوم رشد و پیشرفت جامعه را به همراه خواهد داشت؛ تربیت نمایند.

روش تحقیق

در این پژوهش نوع تحقیق، کاربردی است که از طریق روش تحلیل محتوای کمی از نوع شمارشی صورت می پذیرد.

یافته‌ها

تعالیم اسلامی، ابعاد و وظایف یک زن مسلمان را در پنج جنبه کلی خلاصه می نماید که در ذیل با مصادیقی از آیات و روایات و سخنان بزرگان ارائه می شود:

اولین ویژگی و وظیفه اجتماعی یک زن مسلمان، کسب علم و دانش است. اسلام مرد و زن را در تدبیر شئون زندگی بوسیله اراده و کار، مساوی می داند. از اینرو هر دو در تحصیل احتیاجات زندگی و آنچه مایه قوام حیات انسانی است، یکسان می باشند. زن می تواند همانند مرد، مستقلاً کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود. در صدور فرمان الهی، فرقی بین زن و مرد نیست؛ مگر در احکامی که ویژه یکی از ایشان است. تحصیل علم و کسب دانش نیز از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک می باشند و هرگز دین اسلام جنس را سد راه دانش اندوزی نمی داند. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان، پس از نقل سرگذشت تاسف بار زن در طول تاریخ می گوید: زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی با مرد شریک است و در هر امری که مرد استقلال دارد، مانند: ارث، کسب، معامله، تعلیم و تربیت و دفاع از حقوق، زن هم مستقل است؛ مگر در مواردی که با مقتضای طبیعتش مخالف باشد (تفسیرالمیزان، ج ۲، ۲۸۴). تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده، همانند «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» عمومی است و شامل زن ها هم می شود. اسلام «علم» را نور و «جهل» را ظلمت و علم را بینایی و جهل را کوری می داند. در قرآن آمده است: «قل هل یستوی الاعمی و البصیر، ام هل تستوی الظلمات و النور» (رعد، آیه ۱۳)؛ «بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟ آیا ظلمات و تاریکی جهالت با نور علم و

معرفت مساوی است؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم». بنابراین وقتی علم در دیدگاه اسلام نور و بینایی است و دستیابی به آن بر هر مسلمانی واجب است؛ آیا می‌توان گفت که از نظر اسلام تنها بر مردها لازم شده که از ظلمت خارج شوند و به روشنایی برسند، اما زنان چنین وظیفه‌ای ندارند و باید همچنان در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند (الهامی، ۱۳۷۸)!

وظیفه دیگر بانوان که در درون نهاد خانواده تعریف می‌شود، شوهرداری می‌باشد. شوهرداری یعنی مواظبت و نگاه‌داری از شوهر. شوهرداری کار سهل و آسانی نیست، بلکه نیاز به زیرکی و کاردانی دارد. زن باید دل شوهرش را بدست آورد، اسباب رضایت خاطرش را فراهم کند، مواظب اخلاق و رفتارش باشد، به کارهای نیک تشویقش کند، از کارهای بد نگاه‌داری‌اش کند، مواظب بهداشت و تغذیه او باشد، سعی کند او را بصورت یک شوهر آبرومند و مهربان درآورد تا برای خانواده‌اش بهترین سرپرست و برای فرزندان‌اش بهترین پدر و مربی باشد. «زن می‌تواند خانه را بصورت بهشت برین در بیاورد، و می‌تواند به صورت جهنم سوزان تبدیلش سازد، می‌تواند شوهرش را به اوج ترقی برساند و می‌تواند به خاک سیاه بنشاندش. زن اگر به فن شوهرداری آشنا باشد و وظایفی را که خدا برایش مقدر فرموده، انجام‌دهد؛ می‌تواند از یک مرد عادی، یک شوهر لایق و آبرومند بسازد. یکی از دانشمندان می‌نویسد: «زن قدرت عجیبی دارد، مثل قضا و قدر است، هر چه بخواهد همان‌است» (آویبوری، ۱۴۲). شوهرداری به قدری در نظر اسلام اهمیت دارد که آن را در ردیف جهاد در راه خدا قرار داده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: جهاد زن به این است که خوب شوهرداری کند (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ۲۵۲). با توجه به اینکه جهاد در راه خدا برای ترقی و عظمت اسلام و دفاع از کشورهای اسلامی و اجرای عدالت اجتماعی، بزرگترین عبادت است؛ ارزش شوهرداری معلوم می‌شود. رسول خدا (ص) فرمودند: هر زنی که بمیرد، در حالی که شوهرش از او راضی باشد؛ داخل بهشت می‌شود (محلّه البیضاء، ج ۲؛ ۷۰).

خانه‌داری از دیگر نقش‌های بانوان در خانواده می‌باشد. خانه‌داری از وظایف زن نیست، اما نوع نگاه اسلام به این موضوع، منطقی‌ترین و زیباترین شکل ممکن را برای خانه‌داری بیان کرده است. از نظر حقوقی، زن وظیفه‌ای برای انجام دادن کارهای خانه ندارد و می‌تواند در مقابل آن اجرت دریافت کند؛ اما اسلام شکل اخلاقی موضوع را هم بیان می‌کند و خانه‌داری کردن زن را معادل جهاد آن زن می‌داند و برای او عبادت محسوب می‌شود. هدف از بحث حقوقی بیشتر بیان این موضوع به مردان است که خانه‌داری را وظیفه زن ندانند و زیاده‌خواه نباشند و زمانی که زن کارهای منزل را انجام داد، از او سپاسگزاری کنند. اسلام می‌گوید: خانه‌داری متناسب با توان و روحیات زن باید باشد. امام علی (ع) با این فرمایش که «وَلَا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ أَمْرَهَا مَا جَاوَزَتْ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ...» یعنی کاری که در توان زن نیست، به او مسپار؛ زیرا او چون گلی است، نه قهرمان و کارفرما (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶). ضمن توجه به تفاوت‌های زن و مرد در هنگام تقسیم کار، تحمیل نکردن کارهای درون خانه بر زن را نیز گوشزد می‌نماید. طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، رابطه عشق و مهربانی است «موده و رحمه». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد و مرد در خانه احساس مالکیت کرد و به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است. اگرچه اسلام مانع مشاغل زنان نیست، لیکن مسئله اصلی‌تر زن، همان احساس آرامش و امنیت و احساس امکان بروز استعداد و ستم ندیدن در جامعه و خانواده است که امروز در غرب از بین رفته است» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰).

مبحث بعدی تربیت فرزند و نقش مادری است. اسلام می‌گوید: مادری برترین جایگاه برای زن است. در ارتباط با ارزش مادری نیز، پیامبر (ص) فرمودند: «خداوند برای زن باردار، اجر و پاداش کسی را می‌نویسد که روزها را روزه دارد و شب‌ها را به عبادت مشغول است» (صدوق، ۱۳۷۶؛ ۶۰۱). امام خمینی (ره) در این زمینه بر این باور بودند که «شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیاء فرستاد» (امام خمینی، ۱۳۸۳). «شغل انبیاء همین است، باید شغل مادرها هم همین باشد، به بچه‌هایی که در دامنشان است» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵). در نگاه اسلام آنچه اهمیت دارد، غفلت نکردن زن از اولویت داشتن وظیفه خطیر

خود در جایگاه مادر و تربیت فرزندان است. چرا که این نقش‌ها در صورت مغفول ماندن از سوی زن، جایگزینی برای انجام آنها پیدا نمی‌شود (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۱). تمام ادیان بزرگ آسمانی جایگاه مادر را پاس داشته‌اند و در منابع اسلامی، وراثت (طبرسی، ۱۳۶۵)، و محیط (پاینده، ۱۳۸۲) از عوامل مؤثر بر رشد، شناخته شده‌اند که مادر در هر دو زمینه نقش دارد. مادر حامل و انتقال‌دهنده ژن‌های اجداد گذشته و ویژگی‌های خود به فرزند است (صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۸۴/۳). مادر در دوره بارداری، طولانی‌ترین (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱۸۶/۷)، نزدیک‌ترین (جوادی آملی، ۱۳۹۱) و با کیفیت‌ترین (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۲۴۸/۸۹، جوادی آملی، ۱۳۹۱) ارتباط با فرزند را دارد. ضعف انسان در هنگام تولد، حمایت و مراقبت فیزیکی از نوزاد آدمی را بر خلاف گونه‌های زیادی از موجودات به ضرورت تبدیل می‌نماید. مسئولیت این امر، تکلیف واجب شرعی و بر عهده پدر است. با این وجود، از مادران انتظار می‌رود به مراقبت از فرزندان خود بپردازند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۸). از نظر اسلام، نه فقط رشد جنبه‌های مختلف جسمی لازم است، بلکه با توجه به ریشه زیست‌شناختی برخی رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی، تقویت جنبه‌های مختلف جسم کودک، به مادر سفارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، راوندی، ۱۴۰۷ ه.ق، حرعاملی، بی تا، ۴۰۵/۲۱).

مبحث بعدی در زمینه نقش‌های بانوان، انجام فعالیت‌های اقتصادی است. اسلام می‌گوید: اشتغال برای زن اشکال ندارد. در این زمینه امام خمینی (ره) معتقدند اسلام نه با شغل متناسب با روحیات زن، بلکه با شبیه کردن زن به مرد مخالف است. شغلی که زن را از اصلی‌ترین وظیفه‌اش یعنی مادری جدا می‌کند و این وظیفه را در نظر آنها سطح پایین جلوه می‌دهد: «البته شغل صحیح برای زن هیچ منعی ندارد، لکن آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند، بلکه می‌خواستند زن را مثل مردها کنند. زن‌ها را و مردها را از آن مقامی که دارند، منحت کنند؛ نگذارند بچه‌های ما تربیت صحیح بشوند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۱). اسلام، زن را انسانی چون مرد که در همه شئون زندگی از قبیل تحصیل، کار و آنچه مایه قوام حیات انسانی است، با مرد مساوی می‌داند و او می‌تواند بطور مستقل کار کند و مالک حاصل کار و کوشش و نیز نفع و ضرر خود باشد (بهزادپور، ۱۳۷۸؛ ۱۴۷).

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه حاکی از اهمیت توجه به الگوی زن مسلمان ایرانی است. در ادامه به برخی از پژوهش‌ها اشاره می‌گردد: بجستانی و روحانی‌مقدم (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «سبک زندگی زن مسلمان ایرانی در منظومه فکری مقام معظم رهبری» انجام داده‌اند. در این پژوهش، سبک زندگی مجموعه منظم از عملکرد فرد است که روایت خاصی از هویت منتسب به شخص را برای دیگران مجسم می‌سازد. انسان مسلمان و به ویژه بانوی مسلمان در چهارچوب بایدها و نبایدهای شرع اسلام، عملکرد روزانه خویش را انتخاب می‌کند. این عملکرد که بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفته، سبک زندگی اسلامی بانوی مسلمان را ترسیم می‌کند. مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف و سخنرانی‌های متعدد این سبک زندگی را برای زنان جامعه اسلامی به تصویر کشیده‌اند. بررسی تحلیلی توصیفی آرای این اسلام‌شناس برجسته شیعه و مذاقه در بیانات و رهنمودهای ایشان حاکی از آن است که سبک زندگی زن مسلمان ایرانی در سه قالب اساسی قابل بررسی است: سبک زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی. این نوشتار با هدف تبیین سبک زندگی زن مسلمان در منظومه فکری مقام معظم رهبری به ترسیم اهم مؤلفه‌های این مسئله در سه عرصه فوق پرداخته است. مواردی چون ازدواج، رعایت حریم در روابط اجتماعی، تحکیم خانواده و رعایت حقوق فردی اجتماعی و خانوادگی زن مسلمان همواره مورد تاکید ایشان بوده است. در واقع سبک زندگی زن مسلمان مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان، همانند کوبکی است که در منظومه فکری ایشان می‌درخشد.

حسینی و حسینی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «دلایل انتخاب حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی برتر زن مسلمان» انجام داده و اشاره کرده‌اند که جایگاه زن در عالم وجود از منظر عرفان اسلامی به عنوان شاهکار خلقت و مظهر قابلیت و فاعلیت خداوند مطرح شده است. در این میان سیده زنان عالم، حضرت فاطمه زهرا (س) مظهر تمام و کمال قابلیت و فاعلیت الهی و برترین الگوی زن مسلمان در ابعاد سیاسی- اجتماعی و همسرمداری و فرزندمداری و کنیه او ام‌ابیها یعنی زهرا (س) در حکم مادر پدرش است و در راس تمام بانوان اسلام قرار دارد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی فاطمه زهرا (س)

به عنوان الگوی برتر زن مسلمان پرداخته شده است. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که حضرت زهرا (س) محور اهل بیت پیامبر (ص)، محبوب‌ترین انسان نزد رسول خدا، سرور بانوان دو عالم و معصوم از هرگونه لغزش و خطا بوده و الگوی شایسته‌ای جهت کمال انسان در دنیا و عالم آخرت بشمار می‌رود. زنان مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی خود باید زندگی حضرت فاطمه (س) را از جهت خردمندی، فرزاندگی و عقل و معرفت، الگو و سرمشق قرار دهند و از بعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم‌گیری‌های عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسرداری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر پیروی کنند. در این مقاله سعی شده هرچند ناچیز و کم‌مقدار گوشه‌ای از عظمت این بانوی گرامی بیان شود تا دختران و زنان و مادران پیرو او با شناخت حضرتش و الگو گرفتن از ایشان به سعادت برسند.

میرشاه‌جعفری و حشمتی‌فر (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های پیام‌های آسمانی دوره اول متوسطه بر اساس مؤلفه‌های هویت دینی» انجام داده‌اند. هدف از این مطالعه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پیام‌های آسمانی دوره اول متوسطه بر اساس مؤلفه‌های هویت دینی است. جامعه آماری پژوهش، کتاب‌های پیام‌های آسمانی دوره اول متوسطه است. استفاده از فهرست‌وارسی تحلیل محتوا به عنوان ابزار پژوهش، ۲ مؤلفه اصلی، ۴ مؤلفه فرعی، و ۲۳ معرف یا شاخص دارد. تعیین روایی آن بر اساس نظر متخصصان تعلیم و تربیت و پایایی آن برحسب نسبت مؤلفه‌های مورد توافق به کل مؤلفه‌ها برابر ۸۲٪ بدست آمده است. اطلاعات با استفاده از روش تحلیل محتوا، تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که مؤلفه شناختی در هر سه پایه، بیش از مؤلفه‌های دیگر هویت دینی مورد توجه است. مؤلفه اجتماعی، عاطفی و فرهنگی در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد کتاب پیام‌های آسمانی به هویت دینی توجه کرده است، اما سهم مؤلفه شناختی از سایر مؤلفه‌ها بیشتر بوده است.

هژبر (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «الگوهای ایرانی اسلامی، تاثیر علم و آگاهی دینی زن مسلمان در تدبیر امور منزل» انجام و دریافت تبلور شخصیت و هویت انسانی به عوامل گوناگونی از جمله امکان تاثیرگذاری از رهگذر حضور در عرصه اجتماعی وابسته است. از اینرو، در حرکت احیاگرانه الگوهای ایرانی-اسلامی توجه ویژه‌ای به این موضوع مبذول گردید. در این پژوهش راهکارهای تاثیر علم و آگاهی دینی زن مسلمان در تدبیر امور منزل نیز ارائه شد. بدین منظور در ابتدا چستی منزل و نوع تدبیر آن در قالب نظری مورد بحث قرار گرفت که نوع تدبیر در منزل می‌تواند تاثیرات مثبت و منفی بر روند خانواده داشته باشد و عوامل درونی به ویژه کارآمدی خانواده، تعیین‌کننده نوع تاثیرات در جامعه می‌باشد. با این حال نویسنده معتقد است که تاثیر علم و آگاهی دینی زن مسلمان در تدبیر امور منزل می‌تواند صورتی عادلانه‌تر بگیرد، بطوری که زمینه بهره‌گیری مناسب‌تر خانواده‌ها با الگوهای ایرانی اسلامی فراهم آید. بنابراین کارآمدی خانواده و عادلانه‌تر شدن این پدیده، موجبات کارآمدی خانواده و عادلانه‌تر شدن این پدیده موجبات توسعه تاثیر علم و آگاهی دینی زن مسلمان در تدبیر امور منزل را فراهم می‌آورد. زیرا خانواده نقش محوری در نهادینه کردن ارزش‌ها و الگوهای ایرانی اسلامی دارد. عملکرد مدیریتی و تربیتی درون خانه به جامعه بازتاب داده می‌شود. به بیان دیگر بخشی از سبک زندگی و شیوه‌های عملکردی افراد مانند الگوی مصرف، روابط بین زن و مرد، نحوه صحبت و حتی نگرش‌های عقلایی و دینی متأثر از خانواده و الگوهای ایرانی-اسلامی است. بنابراین، شناسایی روش‌های معرفتی بنیادین متفکران مسلمان در حوزه تدبیر منزل با الگوهای ایرانی-اسلامی برای تولید نظریه‌های متناسب با سبک زندگی اسلامی-ایرانی که دغدغه مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی است، دو چندان می‌نمایند.

کوهساری و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی» انجام داده‌اند. این مقاله نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی می‌باشد. در این مقاله اعتقاد بر این است که مادران نقش مهمی در ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی بر عهده دارند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع مختلف نشان می‌دهد اگر در جامعه‌ای بخواهیم سبک زندگی خاصی را ترویج نماییم، در ابتدا باید روی خانواده‌ها تمرکز کنیم. درست است که در عصر حاضر محیط آموزشی و رسانه‌ها نیز بر سبک زندگی تاثیر فوق‌العاده‌ای دارد، اما اگر خوب دقت کنیم درمی‌یابیم که

تاثیرگذاری محیط آموزشی و رسانه‌ها به قدرت خانواده نیستند و علاوه بر آن تاثیر آنان نیز تا حدی از خواست خانواده‌ها نشات می‌گیرد. افراد مهمترین و اساسی‌ترین سالهای زندگی خود را در کنار مادران می‌گذرانند، لذا مادرانند که نوع سبک زندگی فرد را در آینده مشخص می‌نمایند. هر انتخابی که در زندگی انسان صورت می‌گیرد، برگرفته از تفکر اندیشه و سبک زندگی وی است. سبک زندگی می‌تواند زمینه تمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی یک جامعه باشد. لذا نوع سبک زندگی غالب در جامعه بسیار مهم است.

با توجه به مباحث مطرح شده در کتب درسی دین و زندگی هر پایه و با توجه به تعیین «الگوی زن مسلمان ایرانی» به عنوان مؤلفه اصلی، به منظور دسته‌بندی و آماده‌سازی کدهای محتوایی برای آغاز تحلیل این واحدها در ۴ مقوله فرعی «توحید و خداابوری»، «اخلاق دینی»، «زن، خانواده و اجتماع» و «احکام» دسته‌بندی و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است با توجه به ویژگی‌های یک زن مسلمان ایرانی از منظر آیات، روایات و سخنان بزرگان که شامل خدانشناسی، باور قلبی و عملی به خدا و پیامبر و پیروی از دستورات ایشان، برخورداری از اخلاق خوش و خلق و خوی مناسب با توجه به دستورات دین، حضور و فعالیت مستمر و همزمان در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی و نیز برخورداری از علم کافی نسبت به احکام شرعیه اسلامی و تقید به انجام درست و کامل آنها می‌باشد، این چهار مقوله فرعی در ذیل عنوان الگوی زن مسلمان ایرانی تعریف شد.

واحدهای محتوایی پژوهش نیز در هر کتاب به طور جداگانه تعیین گردید و بر مبنای تناسب موضوعی به هر یک از این چهار مقوله به طور جداگانه تخصیص داده شد. سپس به منظور کسب پایایی مناسب و قابل قبول از یکسو و از سوی دیگر بدست آوردن شناخت کافی نسبت به نوع نگرش مثبت یا منفی به واحد محتوی انتخاب شده در کتاب، واحد فحوی در هر مورد به میزان یک پاراگراف در نظر گرفته شد.

با توجه به واحدهای محتوی، واحد فحوی و مقوله‌های تعیین شده در قسمت قبل، ابتدا نسبت به تعیین درصد واحدهای فحوی که دارای هر یک از چهار مقوله مورد نظر در رابطه با مؤلفه الگوی زن مسلمان ایرانی هستند، در متن و پرسش‌ها و سپس تعیین ضرایب درگیری متن و پرسش‌ها با هر یک از مقوله‌ها اقدام شده است و در نهایت پس از ارائه جدول نتایج بر مبنای تحقیق انجام شده بر روی کتاب‌های هر یک از پایه‌ها نسبت به تحلیل نتایج و ارائه نظرات مستند اقدام گردیده است.

- تحلیل محتوایی کمی شمارشی کتاب پایه هفتم:

جدول ۱. نتایج عددی حاصل از تحلیل محتوایی کتاب دین و زندگی پایه هفتم

واحدهای فحوی دارای این شواهد (درصد)		پایه هفتم
در پرسش	در متن	
٪ ۲۶/۱۹	٪ ۱۹/۷۵	توحید و خداابوری
٪ ۳۲/۱۴	٪ ۳۹/۵	اخلاق دینی
٪ ۱۹/۰۵	٪ ۱۹/۷۶	زن، خانواده، اجتماع
٪ ۲۲/۶۲	٪ ۲۰/۹۹	احکام
٪ ۵۰/۹۱	٪ ۴۹/۰۹	نسبت واحد در متن/پرسش به تعداد کل واحد

حدوداً ۴۰ درصد متن کتاب پایه هفتم در رابطه با اخلاق دینی و مؤلفه‌های مرتبط با آن است و سه مقوله دیگر تقریباً به صورت مساوی و هر کدام در حدود ۲۰ درصد از متن این کتاب را به خود اختصاص می‌دهند. این امر بیانگر اهمیت

Religion, Spirituality and Quality of Life

درجه اول این مقوله در این کتاب می باشد. نکته قابل توجه در این کتاب این است که در رابطه با ویژگی های زن مسلمان در قالب بیان خصائل فردی، خانوادگی و اجتماعی حضرت فاطمه زهرا (س) به ارائه نکات و مطالب لازم به صورت مختصر پرداخته شده است. هر چند از نظر کمی نسبت تقریباً قابل قبولی از محتوای تدریس شده را شامل می شود، ولی در زمینه مرتبط سازی فضائل ذکر شده از حضرت با مسائل روزی که دختران نوجوان و جوان با آن درگیر هستند، ضعیف عمل نموده است.

- تحلیل محتوایی کمی شمارشی کتاب پایه هشتم:

در این کتاب در مقوله های مورد بررسی ۸۷ واحد فحوی در متن شناسایی شد که از این تعداد ۸ واحد حاوی محتوای فعال و مابقی واحدها غیر فعال بودند. همچنین در پرسش ها نیز ۹۳ واحد فحوی بدست آمد که از این تعداد محتوای ۴۷ واحد فعال و الباقی غیرفعال بودند. جدول نتایج و تحلیل های مربوطه در ادامه ذکر گردیده است:

جدول ۲. نتایج عددی حاصل از تحلیل محتوایی کتاب دین و زندگی پایه هشتم

واحدهای فحوی دارای این شواهد (درصد)		پایه هشتم
در پرسش	در متن	
٪ ۳۵/۴۸	٪ ۴۱/۳۷	توحید و خداپاوری
٪ ۴۴/۰۹	٪ ۳۴/۴۹	اخلاق دینی
٪ ۴/۳۱	٪ ۶/۸۹	زن، خانواده، اجتماع
٪ ۱۶/۱۲	٪ ۱۷/۲۵	احکام
٪ ۵۱/۶۶	٪ ۴۸/۳۴	نسبت واحد در متن/پرسش به تعداد کل واحد

با توجه به اینکه مباحث مربوط به مقوله های توحید و خداپاوری و اخلاق دینی در این کتاب پایه هشتم، هم در متن اصلی و هم در پرسش ها حدوداً ۷۰٪ محتوای آموزشی کتابها را به خود اختصاص داده است، مشخص است که نگرش غالب مؤلفین در نگارش کتاب پیام های آسمان این پایه بر تعریف مبانی اصلی اعتقادی و توحیدی و همچنین مفاهیم اخلاقی اسلامی بنا گردیده است. همچنان در این کتاب همانند پایه هفتم به جز در مواردی خاص که به صورت اختصاصی به مسائل مربوط به وظایف شرعی، اخلاقی و اجتماعی بانوان پرداخته شده است، در باقی مطالب به بیان کلی مفاهیم مشترک دینی بین تمام دانش آموزان پرداخته است. ضمناً همین میزان نیز بر خلاف کتاب پایه هفتم که با دربرگرفتن ۲۰٪ مطالب سهم نسبتاً مطلوبی را دارا بود، به یک سوم کاهش یافته و به حدود ۷٪ از کل متن رسیده است (همین امر در مورد سؤالات نیز با بهره مندی از تنها ۴/۶٪ از سؤالات به طور مشهودی قابل ملاحظه است). در بخش احکام نیز مؤلفین بیشتر به ارائه مطالب تکمیلی در مورد مسائل شرعی مربوط به نوجوانان که در کتاب قبلی ذکر شده پرداخته اند و از حجم ارائه مطالب جدید کاسته اند و لذا درصد این مطالب نیز هم در متن و هم در پرسش ها از ۲۰٪ به حدود ۱۶٪ تا ۱۷٪ کاهش یافته است. متعاقباً در این کتاب نیز خلا بحث در رابطه با احکام مربوط به بانوان مسلمان مشهود است و به جز ارائه چند خط مطلب در رابطه با محارم، مطلب دیگری در این زمینه در رابطه با بانوان به چشم نمی خورد.

- تحلیل محتوایی کمی شمارشی کتاب پایه نهم:

در این کتاب در مقوله های مورد بررسی ۱۰۲ واحد فحوی در متن شناسایی شد که از این تعداد ۱۵ واحد حاوی محتوای فعال و مابقی واحدها غیرفعال بودند. همچنین در پرسش ها نیز ۸۰ واحد فحوی بدست آمد که از این تعداد محتوای ۳۸ واحد فعال و الباقی غیرفعال بودند. جدول نتایج و تحلیل های مربوطه در ادامه ذکر گردیده است:

جدول ۳. نتایج عددی حاصل از تحلیل محتوایی کتاب دین و زندگی پایه نهم

واحد‌های فحوی دارای این شواهد (درصد)		پایه نهم
در متن	در پرسش	
٪ ۲۱/۵۷	٪ ۲۳/۷۷	توحید و خدا‌باوری
٪ ۳۰/۳۹	٪ ۲۸/۷۵	اخلاق دینی
٪ ۳۵/۳۹	٪ ۳۳/۷۵	زنان، خانواده، اجتماع
٪ ۱۲/۷۵	٪ ۱۳/۷۸	احکام
٪ ۵۶/۰۴	٪ ۴۳/۹۶	نسبت واحد در متن/پرسش به تعداد کل واحد

در کتاب پایه نهم با توجه به نتایج بدست آمده مشخص است که حدوداً ۵۰٪ مطالب به مقوله‌های توحید و خدا‌باوری و اخلاق دینی اختصاص داده شده است و مباحث دیگری همچون جهاد، انقلاب اسلامی، شیخون فرهنگی، رهبری و وظایف رهبری و مسئله مهدویت، انتظار و ظهور حضرت حجت (عج) به تنهایی به عنوان پر اهمیت‌ترین مسائل مورد بررسی در این کتاب حدود ۳۵٪ مطالب را به خود اختصاص داده است. بنابراین مشخص است که نوع نگرش نویسندگان در این کتاب کاهش سطح ارائه مطلب در مورد دو مقوله اول و بسنده کردن به تکمیل اطلاعات ارائه شده در این زمینه در کتب پایه‌های قبل و نهایتاً ارائه برخی مطالب جدید جزئی می‌باشد. در عوض این کتاب بیشتر به مباحث مرتبط با مسائل روز و جدیدتر که کمتر به آنها پرداخته شده، توجه نموده است. از طرفی به نظر می‌رسد در این کتاب مجدداً از سهم احکام شرعی کاسته شده (حدود ۱۳٪ از کل کتاب) و این بخش نیز با مطالب مرتبط با مهدویت و انقلاب اسلامی جایگزین شده است. نکته حائز اهمیت در این میان این است که در این کتاب نیز در مباحث مربوط به مقوله‌های توحید و خدا‌باوری و اخلاق دینی تنها به ارائه مطالب در رابطه با مبانی اعتقادی و اخلاقی عموم مسلمانان پرداخته است و به صورت اختصاصی در رابطه با زنان مسلمان سخنی به میان نیامده است. همچنین در مورد احکام شرعی نیز همچنان در مورد ذکر احکام شرعی مربوط به دختران نوجوان غفلت به عمل آمده است. همچنین درباره مقوله زنان، خانواده و اجتماع و ظرفیت عظیمی که در رابطه با تبیین نقش و جایگاه زنان در انقلاب و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت (عج) وجود داشت، انتظار می‌رفت تا در این کتاب مؤلفین حداقل نسبت به طرح موضوعاتی چون نقش زنان در جنگ و جهاد و دفاع از اسلام و کیان میهن اسلامی، چگونگی نقش‌آفرینی آنان در دوران انقلاب اسلامی و تلاش‌های آنان در زمینه به ثمر رسیدن این انقلاب، مهدویت و نقش بانوان در رشد و تعالی جامعه در دوران غیبت حضرت ولی امر (عج) و مباحث از این دست اهتمام ورزند که علناً چنین چیزی در کتاب به چشم نمی‌آید و به جرات می‌توان توجه مطالب کتاب به ویژگی‌های اختصاصی یک زن مسلمان ایرانی در این کتاب را صفر و یا نزدیک به صفر دانست.

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش که بررسی محتوایی کتاب‌های دین و زندگی دوره اول متوسطه از منظر توجه به تطابق سرفصل‌های درسی این کتاب‌ها با مولفه‌های الگوی زن مسلمان ایرانی می‌باشد و با توجه به تحلیل انجام گرفته و مباحث مطرح شده مشخص می‌گردد که: تمرکز اصلی در کلیه این کتاب‌ها و به ویژه در دو پایه هفتم و هشتم با توجه به در بر گفتن میانگین حدود ۶۲٪ مطالب این کتاب‌ها، بر مباحث مرتبط با مقوله توحید و خدا‌باوری و اخلاق دینی قرار گرفته است. حدود ۲۱٪ مطالب این سه کتاب نیز به طور متوسط دربرگیرنده موضوعات مرتبط با مقوله زنان، خانواده و اجتماع می‌باشد که با وجود اینکه به ظاهر نسبت قابل قبولی از سهم تدریس کتاب را به صورت کمی به خود اختصاص داده است، اما با توجه به اینکه مطالب مرتبط با این مؤلفه در کتاب پایه نهم در زمینه مباحثی همچون انقلاب اسلامی، مهدویت، جهاد و جنگ نرم ارائه

گردیده است و در این مطالب به ذکر نقش و جایگاه زنان در این زمینه‌ها اشاره نگردیده است. لذا به نوعی می‌توان این سهم را تا حدود ۹٪ از کل مطالب کتاب کاهش داد که نشانگر ضعف کتاب در بیان مطالب مرتبط با الگوی زن مسلمان ایرانی می‌باشد. در رابطه با احکام شرعی و مسائل فقهی گریبان‌گیر نوجوانان نیز به طور متوسط سهمی در حدود ۱۷٪ مطالب در کل این سه کتاب در نظر گرفته شده است که در این بخش نیز تنها به مسائل شرعی مشترک نوجوانان پرداخته شده و نسبت به آموزش مسائل اختصاصی بانوان جز در مواردی معدود اجتناب ورزیده شده است.

منابع فارسی

بجستانی، مریم؛ رواحنی مقدم، محمد (۱۳۹۸). سبک زندگی زن مسلمان ایرانی در منظومه فکری مقام معظم رهبری. زن مسلمان ایرانی در آیینه الگوی پیشرفت پنجاه ساله.
به‌پژوه، احمد (۱۳۹۷). اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان. چاپ یازدهم. تهران: دانژه
بهزاد، بهزادپور (۱۳۹۶). امیراطور عشق. تهران: نیستان
پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۷). نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حسینی، بی بی زهرا؛ حسینی، محمدشریف (۱۳۹۷). دلایل انتخاب حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی برتر زن مسلمان. کنفرانس ملی و علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی.
خامنه‌ای، سیدعلی؛ پناهیان، علیرضا (۱۳۹۸). ناشنیده‌هایی درباره قدرت و شکوه زن. تهران: نشر عصر بیان معنوی.
سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی (جلد اول و دوم). تهران: نشر دوران.
کارنگی، دیل (۱۳۹۲). آئین زندگی. مترجمان: جهانگیر افخمی و سیمین مشیریان. تهران: ارمغان
کتاب دین و زندگی پایه نهم (۱۳۹۹). دوره اول آموزش متوسطه، پایه نهم.
کتاب دین و زندگی پایه هشتم (۱۳۹۹). دوره اول آموزش متوسطه، پایه هشتم.
کتاب دین و زندگی پایه هفتم (۱۳۹۹). دوره اول آموزش متوسطه، پایه هفتم.
کوهساری، محسن؛ امینی، سارا؛ امینی، سکینه؛ سارونی، حمید (۱۳۹۶). نقش مادران در ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی. دومین همایش ملی نقش و جایگاه مادر.
لرد، آویبوری (۱۳۴۵). در آغوش خوشبختی. مترجم: ابوالقاسم پاینده.
میرشاه‌جعفری، سید ابراهیم؛ حشمتی‌فر، لیلا (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتاب‌های پیام‌های آسمان دوره متوسطه اول بر اساس مؤلفه‌های هویت دینی. فصلنامه مطالعات ملی؛ ۷۴، سال نوزدهم، شماره ۲.
هژبر، فاطمه (۱۳۹۷). الگوهای ایرانی اسلامی تاثیر علم و آگاهی دینی زن مسلمان در تدبیر امور منزل. چهارمین همایش کنفرانس بین المللی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منابع عربی

قرآن کریم. مترجم: ناصر مکارم شیرازی. قم: نشر شریعت.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ق). تفسیرالمیزان. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
فیض، کاشانی (۱۳۸۳ق). المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء. قم: جامعه مدرسین.

The Role of Education in Strengthening the Pattern of Iranian Muslim Women
and Improving the Quality of Life

Razieh Haghgoo

M.A. Student in Curriculum, Department of
Educational Sciences, Shahed University
Email: kusarvelayatmadar@gmail.com

Soolmaz Nourabadi (Ph.D)^{*}

Assistant Professor in Curriculum, Department of
Educational Sciences, Shahed University
Email: nourabadi@shahed.ac.ir

Abstract

The family is one of the most important pillars of any society. The most important role is played by men and women in the family. Their role has its necessary and sufficient impact when they know their roles and act accordingly. Since our society is an Islamic society, the provision of family income is the responsibility of the man and the management of the home is the responsibility of the woman. It should be noted that women's activities outside the home should be such that it is compatible with the presence of women. Since women play the role of wives and mothers in the home and the main educators are the children of mothers; As a result, the role of mothers in raising their children is enormous and undeniable. Islam and Islamic society consider the role of women in the family very important and influential, so that women can make their men and children brave, zealous and capable beings. Therefore, if the women of the society are properly educated and aware of the importance of their role, they can improve family life in the first place and society in all aspects. How what extent can believers train women who adhere to religious and Islamic rules in Lower secondary education? It is clear that women and issues related to women are important issues in human societies. For this reason, the type of education in society, which plays a very important role in determining the attitude of individuals in society, should be such that it reflects the importance of women and their role in society. In this case, the textbooks of that society, which reflect the way society views people, should be written in a way that shows the importance of the role of women in society and in family. Therefore, in order to answer the question using the method of quantitative analysis, the books of religion and high school of the lower secondary education were analyzed. The results showed that these books did not properly address the importance of the role of women and issues related to them in the content of books.

Keywords: Woman, Family, Education, Society, Life and Religion Book.

^{*}. Corresponding Author